

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
فرازی از نامه ۳۱ نهج البلاغه

۱. وَاعْلَمْ يَقِينًا أَنَّكَ لَنْ تَبْلُغَ أَمْلَكَ وَ لَنْ تَعْدُوَ أَجَلَكَ، وَ أَنْكَ فِي سَبِيلِ مَنْ كَانَ قَبْلَكَ. فَخَفِّضْ فِي الطَّلَبِ، وَ أَجْمِلْ فِي الْمُكْتَسَبِ، فَإِنَّهُ رَبُّ طَلَبٍ قَدْ جَرَّ إِلَى حَرَبٍ. فَلَيْسَ كُلُّ طَالِبٍ بِمَرْزُوقٍ، وَ لَا كُلُّ مُجْمِلٍ بِمَحْرُومٍ.
۲. وَ أَكْرَمُ نَفْسِكَ عَنْ كُلِّ دَنِيَّةٍ وَ إِنْ سَاقَتَكَ إِلَى الرَّغَائِبِ، فَإِنَّكَ لَنْ تَعْتَاضَ بِمَا تَبْدُلُ مِنْ نَفْسِكَ عَوْضًا. وَ لَا تَكُنْ عَبْدًا غَيْرِكَ وَ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ حُرًّا. وَ مَا خَيْرُ خَيْرٍ لِإِنَالٍ إِلَّا بَشَرٌ، وَ يُسْرُ لَا يُنَالُ إِلَّا بِعُسْرٍ.
۳. وَ إِيَّاكَ أَنْ تُوَجِّفَ بِكَ مَطَايَا الطَّمَعِ فَتُورِدَكَ مَنَاهِلَ الْهَلَكَةِ. وَ إِنْ اسْتَطَعْتَ أَنْ لَا يَكُونَ بَيْنَكَ وَ بَيْنَ اللَّهِ ذُو نِعْمَةٍ فَافْعَلْ، فَإِنَّكَ مُدْرِكُ قِسْمِكَ، وَ آخِذُ سَهْمِكَ.
۴. وَ إِنْ الْيَسِيرَ مِنَ اللَّهِ سُبْحَانَهُ أَعْظَمُ وَ أَكْرَمُ مِنَ الْكَثِيرِ مِنْ خَلْقِهِ وَ إِنْ كَانَ كُلُّ مِنْهُ.
۵. وَ تَلَاْفِيكَ مَا فَرَطَ مِنْ صَمْتِكَ أَيْسَرُ مِنْ إِدْرَاكِكَ مَا فَاتَ مِنْ مَنْطِقِكَ، وَ حِفْظُ مَا فِي الْوِعَاءِ بِشِدِّ الْوِكَاءِ، وَ حِفْظُ مَا فِي يَدَيْكَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ طَلَبِ مَا فِي يَدِ غَيْرِكَ.
۶. وَ مَرَارَةُ الْيَأْسِ خَيْرٌ مِنَ الطَّلَبِ إِلَى النَّاسِ. وَ الْحُرْفَةُ مَعَ الْعِفَّةِ خَيْرٌ مِنَ الْغِنَى مَعَ الْفُجُورِ. وَ الْمَرْءُ أَحْفَظُ لِسِرِّهِ. وَ رَبُّ سَاعٍ فِيمَا يَضُرُّهُ. مَنْ أَكْثَرَ أَهْجَرَ، وَ مَنْ تَفَكَّرَ أَبْصَرَ.
۷. قَارِنِ أَهْلَ الْخَيْرِ تَكُنْ مِنْهُمْ، وَ بَايِنِ أَهْلَ الشَّرِّ تَبَيَّنْ عَنْهُمْ.
۸. بِنَسِ الطَّعَامِ الْحَرَامِ، وَ ظَلَمِ الضَّعِيفِ أَفْحَشَ الظُّلْمِ.
۹. إِذَا كَانَ الرَّفْقُ خُرْقًا كَانَ الْخُرْقُ رِفْقًا، رَبِّمَا كَانَ الدَّوَاءُ دَاءً وَ الدَّاءُ دَوَاءً. وَ رَبِّمَا نَصَحَ غَيْرَ النَّاصِحِ، وَ غَشَّ الْمُسْتَنْصِحُ.
۱۰. وَ إِيَّاكَ وَ الْإِتْكَالَ عَلَى الْمُنَى فَإِنَّهَا بَضَائِعُ النَّوْكَى.
۱۱. وَ الْعَقْلُ حِفْظُ التَّجَارِبِ، وَ خَيْرٌ مَا جَرَّبْتَ مَا وَعَظَكَ.
۱۲. بَادِرِ الْفُرْصَةَ قَبْلَ أَنْ تَكُونَ غُصَّةً. لَيْسَ كُلُّ طَالِبٍ يُصِيبُ، وَ لَا كُلُّ غَائِبٍ يُؤُوبُ.
۱۳. وَ مِنَ الْفَسَادِ إِضَاعَةُ الزَّادِ وَ مَفْسَدَةُ الْمَعَادِ. وَ لِكُلِّ أَمْرٍ عَاقِبَةٌ، سَوْفَ يَأْتِيكَ مَا قُدِّرَ لَكَ. التَّاجِرُ مُخَاطِرٌ. وَ رَبُّ يَسِيرٍ أُنْمَى مِنْ كَثِيرٍ.
۱۴. وَ لَا خَيْرَ فِي مُعِينٍ مَهِينٍ، وَ لَا فِي صَدِيقٍ ظَنِينٍ. سَاهِلِ الدَّهْرَ مَا ذَلَّ لَكَ قَعُودُهُ. وَ لَا تُخَاطِرْ بِشَيْءٍ رَجَاءَ أَكْثَرِ مِنْهُ. وَ إِيَّاكَ أَنْ تَجْمَعَ بِكَ مَطِيَّةَ اللُّجَاجِ.

ترجمه استاد حسین انصاریان

۱. به یقین آگاه باش که هرگز به آرزویت نرسی، و از اجل معین شده نگذری، و در راه کسی هستی که پیش از تو بوده. پس در طریق به دست آوردن مال آرام باش، و در برنامه کسب و کار مدارا کن، چه بسا تلاشی که موجب تلف شدن ثروت شود. معلومت باد که هر کوشنده ای یابنده، و هر مدارا کننده ای محروم نیست.
- نکته ۱: خَفِّضْ به معنای پایین بیاور است که در این جا «آرام باش» معنا شده است زیرا آرام بودن خود نوعی پایین آوردن شعله غضب، حرص و... محسوب می شود. و اجمل به معنای اعتدال و ترک افراط است و در هر حقیقت هر دو اشاره به یک حقیقت دارد و آن هم ترک حرص است.

۲. نفس خود را از هر پستی به گرمی داشتنش حفظ کن هرچند تو را به نعمت های فراوان رساند، زیرا در برابر مقداری که از کرامت نفس به خرج می گذاری عوضی به دست نیآوری. بنده دیگری مباش که خداوند آزادت قرار داده. چه خیری است در خیری که جز با شرّ دست نیاید، و در آسایشی که جز با سختی حاصل نگردد؟!

نکته ۲: «اکرم» به معنای «گرامی بدار» است که مترجم با توجه به این که گرمی داشتن نفس، فی الواقع خود نوعی حفظ کردن از هر پستی به حساب می آید، «حفظ کن» ترجمه نموده است.

نکته ۳: «ما» در «ما خیر...»، به عنوان استفهام انکاری ترجمه کرده در صورتی که در ترجمه مرحوم دشتی نافییه ترجمه شده است.

۳. از اینکه مرکبهای طمع تو را برانند و به آبخورهای مهلکه وارد سازند برحذر باش، اگر بتوانی بین تو و خداوند صاحب نعمتی نباشد چنان کن، زیرا بالاخره نصیبت را بیایی، و سهم خود را دریایی.

نکته ۴: مترجم، ترجمه «ایاک» را با توجه به این که در ابتدا آمده، آخر آورده است.

۴. نعمت اندک از جانب خدای پاک بزرگتر و با ارزش تر از نعمت فراوانی است که از غیر خدا برسد اگرچه همه از اوست.

۵. تدارک آنچه به خاطر سکوت از دست رفته آسان تر است از آنچه محض گفتارت از کف داده ای، و نگهداری آنچه در ظرف است به محکم کردن سربند آن است، و حفظ آنچه در اختیار توست نزد من محبوبتر است از طلب آنچه در دست غیر توست.

۶. تلخی ناامیدی بهتر از خواستن از مردم است. مال اندک همراه با عفت نفس از ثروت با گناه بهتر است. آدمی راز زندگیش را بهتر از دیگران حفظ می کند. چه بسا کوشنده ای که تلاش و سعیش به او زیان می زند. زیاده گو هرزه گو می گردد، و آن که نسبت به امورش اندیشه کند بینا می شود.

نکته ۵: «الْحُرْفَةُ» که به معنای شغل، کار و پیشه است که به قرینه «الْغِنَى مَعَ الْفُجُورِ» به مال اندک ترجمه شده است.

۷. به اهل خیر نزدیک شو تا از آنان گردی، و از اهل شر جدا شو تا از آنان به حساب نیایی.

۸. بد خوراکی است خوراک حرام، و ستم بر ضعیف زشت ترین ستم است.

۹. آنجا که نرمی درشتی است درشتی نرمی است، چه بسا دارو درد، و درد درمان است. چه بسا خیرخواهی کند آن که خیرخواه نیست، و خیانت ورزد کسی که از او نصیحت خواسته شده.

۱۰. از اعتماد به آرزوها بپرهیز که سرمایه احمقان است.

۱۱. عقل حفظ تجربه هاست، و بهترین چیزی که تجربه کرده ای آن است که تو را پند دهد.

۱۲. به جانب فرصت بشتاب پیش از آنکه غصه و حسرت گردد. این طور نیست که هر خواهنده ای به مقصد رسد، و هر غائب شونده ای بازگردد.

۱۳. از زمینه های فساد ضایع کردن زاد و توشه و تباه کردن معاد است. برای هر کاری عاقبتی است، آنچه برایت رقم خورده زوداست به تو برسد. تاجر در خطر است. و چه بسیار مال اندکی که از مال بسیار بابرکت تر است.

۱۴. خیری در یاری دهنده پست، و رفیق متهم نیست. تا وقتی شتر زمانه رام توست آن را آسان گیر. نعمتی را به امید بیشتر به دست آوردن در خطر مینداز. از اینکه مرکب لجاجت تو را چموشی کند بپرهیز.

ترجمه مرحوم علامه محمدتقی جعفری

۱. و بدان یقینا تو نه به آرزویت می رسی و نه از اجلت فراتر می روی و قطعاً تو در مسیر کسی قرار گرفته ای که پیش از تو بوده است. در طلب دنیا با آرامش رفتار کن و کسب و تجارت را به نیکویی برگزار، زیرا بسا طلب و جستجو که به از بین رفتن مال منجر گشته است، پس نه هر جوینده ای به آن روزی که می خواهد می رسد و نه هر کسی که در طلب راه اختصار را پیش گرفته است محروم می ماند.

نکته ۱: «حرب» به معنای غارت شدن است که مترجم از افعال بالادستی «از بین بردن» استفاده نموده است که فی الواقع غارت شدن از مصادیق از بین رفتن است.

۲. کرامت نفس خود را از هرگونه پستی‌ها بالاتر بدار، اگر چه تو را به آنچه که میل داری برساند، زیرا تو در برابر آنچه که از شرف نفس خود از دست می‌دهی، عوض نخواهی گرفت. و هرگز بنده دیگرش مباش، در حالی که خدا تو را آزاد آفریده است. و چیست نیکویی یک خیر در صورتی که بدون شر به دست نخواهد آمد و چیست ارزش آن آسانی که بدون دشواری قابل وصول نیست.
۳. و بپرهیز از آن که مرکبهای طمع تو را برانند و به سرچشمه‌های هلاکت برسانند. و تا بتوانی مابین خود و خدا یک ثروتمند را واسطه قرار مده، زیرا تو به قسمت و سهم خود نایل خواهی گشت.
۴. و اندکی از جانب خداوند سبحان باعظمت و باارزشترا از خواستنی‌های فراوان است، اگر چه همه آنها از خدا است.
۵. و صایای متنوع و تدارک خطایی که از سکوت تو به وجود آمده است، آسانتر است از جبران آنچه که از سخت فوت شده است و حفظ آنچه که در ظرف است با بستن بندهایش و نگهداری آنچه در دست داری بهتر از طلب کردن چیز است که در دست دیگر است.
۶. و تلخی ناامیدی بهتر از مسالت از مردم است و کار و پیشه با پاکدامنی بهتر از بی‌نیازی با انحرافات است و انسان برای سرّ خود نگهدارتر است و بسا کسانی که درباره عوامل ضرر می‌کوشند. کسی که فراوان سخن بگوید، به سرسام گویی افتد. و کسی که ببیندیشد، بینا گردد.
- نکته: «مرء» به معنای زن است ولی به معنای نوع انسانی اعم از مرد و زن هم می‌آید. و بر خلاف سایر مترجمین «ساع» را به اسم فاعل (کوشش گر) ترجمه نکرده‌اند. به قرینه «الْمَرْءُ أَحْفَظُ لِسِرِّهِ» و «مَنْ تَفَكَّرَ أَبْصَرَ»، «مَنْ أَكْثَرَ» به زیاده‌گو و «أَهْجَرَ» به سرسام‌گو و یا هرزه‌گو ترجمه شده است.
۷. خود را به اهل خیر نزدیک کن تا از جمله آنان باشی و از اهل شر دوری گزین تا از آنان جدا شوی.
۸. بدطعامی است که از حرام تهیه شود و ستم بر ناتوان بدترین ظلم است.
۹. اگر مدارا خشونت تلقی شود، خشونت، جای مدارا را می‌گیرد. بسا اوقات که دوا، درد شود و درد، دوا گردد. بسا نصیحت کند کسی که ناصح نیست و خیانت کند کسی که خیرخواه تلقی شده است.
۱۰. بپرهیز از تکیه کردن به آرزوها، زیرا آرزو متاع و کالای مردم احمق است.
۱۱. عقل حفظ تجربه هاست و بهترین تجربه‌ها چیز است که پندی به تو دهد.
۱۲. پیشدستی بر فرصتها کن پیش از آن که فوت آن موجب اندوه گردد. چنان نیست که هر طالبی به مقصد برسد و هر غایبی برگردد.
۱۳. و از تباهی است ضایع کردن زاد و توشه و تباه ساختن معاد. برای هر امری غایتی است. آنچه که برای تو مقدر است، به زودی به تو خواهد رسید. بازرگان در معرض خطر است و بسا شیء ناچیز که از اشیاء فراوان، افزاینده تر است.
۱۴. نه در یار و یاور پست چیزی است نه در دوست بدگمان (یا متهم). با روزگار آسان گیر مدامی که با تو بسازد و رام باشد، و خود را به امید چیزی بیشتر به خطر مینداز و بپرهیز از آن که مرکب ستیزه‌گری و لجبازی تو بنای چموشی گذارد.

ترجمه مرحوم محمد دشتی

۱. به یقین بدان که تو به همه آرزوهای خود نخواهی رسید، و تا زمان مرگ بیشتر زندگی نخواهی کرد، و بر راه کسی می‌روی که پیش از تو می‌رفت، پس در به دست آوردن دنیا آرام باش، و در مصرف آنچه به دست آوردی نیکو عمل کن، زیرا چه بسا تلاش بی‌اندازه برای دنیا که به تاراج رفتن اموال کشانده شد. پس هر تلاشگری به روزی دلخواه نخواهد رسید، و هر مداراکننده‌ای محروم نخواهد شد.
- نکته ۱: با توجه به این که «مجمّل» اسم فاعل از «اجمل» است و به معنای کسی که میانه‌رو است و افراط نمی‌کند، مداراکننده ترجمه شده است.
۲. نفس خود را از هرگونه پستی باز دار، هر چند تو را به اهدافت رساند، زیرا نمی‌توانی به اندازه آبرویی که از دست می‌دهی بهایی به دست آوری. برده دیگری مباش، که خدا تو را آزاد آفرید، آن نیک که جز با شر به دست نیاید نیکی نیست، و آن راحتی که با سختی‌های فراوان به دست آید، آسایش نخواهد بود.

۳. بپرهیز از آن که مرکب طمع ورزی تو را به سوی هلاکت به پیش راند، و اگر توانستی که بین تو و خدا صاحب نعمتی قرار نگیرد، چنین باش، زیرا تو، روزی خود را دریافت می کنی، و سهم خود بر می داری،

نکته ۲: در سایر ترجمه‌ها «مَنَاهِلَ الْهَلَكَةِ» را به معنای آب‌سخورها و یا سرچشمه‌های هلاکت ترجمه کرده‌اند ولی مرحوم دشتی به سوی هلاکت ترجمه نموده است.

۴. و مقدار اندکی که از طرف خدای سبحان به دست می آوری، بزرگ و گرامی تر از (مال) فراوانی است که از دست بندگان دریافت می داری، گرچه همه از طرف خداست.

۵. آنچه با سکوت از دست می دهی آسانتر از آن است که با سخن از دست برود، چرا که نگهداری آنچه در مشک است با محکم بستن دهانه آن امکان پذیر است، و نگهداری آنچه که در دست داری، پیش من بهتر است از آن که چیزی از دیگران بخواهی،

نکته ۳: مرحوم دشتی جمله « وَ حَفِظُ مَا فِي الْوِعَاءِ بِشِدَّةِ الْوِكَاءِ، » را به عنوان علت « وَ تَلَفِيكَ مَا فَرَطَ مِنْ صَمْتِكَ أَيْسَرُ مِنْ إِذْرَاكِكَ مَا فَاتَ مِنْ مَنُطِّقِكَ، » ترجمه نموده‌اند.

۶. و تلخی نا امیدی بهتر از درخواست کردن از مردم است. شغل همراه با پاکدامنی، بهتر از ثروت فراوانی است که با گناهان به دست آید، مرد برای پنهان نگاه داشتن اسرار خویش سزاوارتر است، چه بسا تلاش کننده ای که به زیان خود می کوشد، هر کس پر حرفی کند یاوه می گوید، و آن کس که بیندیشد آگاهی یابد،

۷. با نیکان نزدیک شو و از آنان باش، و با بدان دور شو و از آنان دوری کن.

نکته ۴: در ترجمه‌های دیگر دو فعل «تَكُنْ وَ تَبِنْ» به عنوان نتیجه دو فعل «قَارِنْ وَ بَايِنْ» در نظر گرفته شده است و ارتباط پیدا کرده‌اند ولی در ترجمه مرحوم دشتی مستقل و جداگانه ترجمه شده و به عنوان نتیجه در نظر گرفته نشده است.

۸. بدترین غذاها، لقمه حرام، و بدترین ستم‌ها، ستمکاری به ناتوان است.

نکته ۵: مترجم به قرینه «الطَّعَامُ»، «الْحَرَامُ» را به لقمه حرام ترجمه نموده است.

۹. جایی که مدارا کردن درشتی به حساب آید به جای مدارا درشتی کن، چه بسا که دارو بر درد افزایش، و بیماری، درمان باشد، و چه بسا آن کس که اهل اندرز نیست، اندرز دهد، و نصیحت کننده دغل کار باشد.

۱۰. هرگز بر آرزوها تکیه نکن که سرمایه احمقان است،

۱۱. و حفظ عقل، پند گرفتن از تجربه هاست، و بهترین تجربه آن که تو را پند آموزد.

۱۲. پیش از آن که فرصت از دست برود، و اندوه ببار آورد، از فرصت‌ها استفاده کن. هر تلاشگری به خواسته‌های خود نرسد، و هر پنهان شده ای باز نمی گردد.

۱۳. از نمونه‌های تباهی، نابود کردن زاد و توشه آخرت است. هر کاری پایانی دارد، و به زودی آنچه برای تو مقدّر گردیده خواهد رسید. هر بازرگانی خویش را به مخاطره افکند. چه بسا اندکی که از فراوانی بهتر است.

۱۴. نه در یاری دادن انسان پست چیزی وجود دارد و نه در دوستی با دوست متهم، حال که روزگار در اختیار تو است آسان گیر، و برای آن که بیشتر به دست آوری خطر نکن. از سوار شدن بر مرکب ستیزه جویی بپرهیز.

